

بخش سیزدهم

مهر و مهرمند

خرد و خردمند

دانش‌نمونه
دانش‌اودا

این بخش در بردارنده ۶۱۵ نام میباشد.

آبداگاش - خردمندی در زمان شاپور یکم ساسانی . (ج . رو) .
آتر چیتره (مانند مادر زیسته) : نام خردمندی است . درچم : آتشین سرشت ، آذر نهاد . (ن . او) . این نام امروز " آذرچهر " شده است .
آتر خورنه - (مانند خانه کهن تر) : نام خردمندی . درچم : دارنده فر آتشین و فروغ و روشنایی . (ن . او) .
آتر دات - نام خردمندی . درچم : آفریده آتش . (ن . او) .
آتر دین - نام خردمندی . درچم : آتش اندیشه ، نیک اندیش . (ن . او) .
آتران - (مانند مادر زاد) : نام خردمندی . درچم : پاسدار آتش . (ن . او) .
آتر و خوش - (مانند آذر شهر) : نام خردمندی . درچم : نگهبان آتش .
آتر و نوش - (مانند آذر خموش) : نام خردمندی . درچم : دوستدار آتش و آتش برافراخته و بالنده . (ن . او) .
آدم پیرا - باخرد سازنده رهبر پیشوا . آموزنده .
آذر باد - خردمند نامدار ساسانی که اوستا را گرد آورد . درچم : نگهبان آتش ، پاسدار آتور .
آذر بد - نام خردمند زمان یزدگرد . درچم : نگهبان آتش . (ن . س) .
آذر برزین - نام خردمندی . نام

آتشکده بزرگ ایران که در کسوه ریوند خراسان ویژه کشاورزان بود . درچم : آتش شکوه مند و سربرکشیده
آذریوژی - خردمند زمان یزدگرد یکم ساسانی . درچم : آتشین . (ن . س) .
آذریاد - از بزرگان خردمند شاپور ساسانی (دوم) . درچم : نگهبان آتش
آذر پژوه - از نویسندگان و دانایان .
آذر توس - نام دانشمندی .
آذر خور داد - از بزرگان سازنده آتشکده شکوه مند آذر خور داد .
آذر زند - از خردمندان . درچم : آتش اندیشه . آتش خرد . (ن . س) .
آذرفر - از بزرگان خردمند هخامنشی . درچم : آتش بزرگ و شکوه مند .
آذر قرنبغ - از خردمندان غبادیکم و خسرو انوشیروان . درچم : آتش فره ایزدی . (ن . س) .
آذر کیش - از دانشمندان نام آتشکده ای در ایران . درچم : آتشین آیین .
آذر کیوان - از اندیشمندان .
آذر مهر - از بزرگان غباد ساسانی . درچم : آتش ایزد مهر .
آذر مهر سیندان - خردمند زمان شاپور دوم . درچم : آتش مهر اشویی
آذر هرمز - از خردمندان شوش . درچم : آتش اهورایی ، آتش سروردانا .
آذر همایون - آوازه زردشت خردمند

درچم : آتش خجسته و فرخنده .
آذرهوشنگ - نام نخستین دانشمند داستان پارسیان .
آذری - سخنسرایبی از سبزواری .
آرداد - از خردمندان . درچم : آفریده آتش اشویی و پاک . (ن . ب) .
آریا ریس - پزشک زمان هخامنشیان . درچم : آریایی منش . (ن . ه) .
آزاد سرو - از بزرگان زمان خسرو انوشیروان دادگر . درچم : آزاده .
آزادشاد - از بزرگان خردمند خسرو انوشیروان دادگر .
آزاد مرد - دانشمند نامدار ساسانی
آزاد وار جنگی - نوایی باستانی .
آزیر - خردمند هوشیار . زیرک .
آس دین - (مانند راستین) : خردمند زمان یزدگرد سوم . درچم : استوار دین
آسن خرد - (آسن مانند کاشت) : خرد درونی و زادی . (ن . ب) .
آگاس - بینا . خردمند . (ن . او) .
آگاه - دانا . بینا . خردمند .
آموختار - آموزنده . آموزگار . استاد
آموزگار - آموختار . آموزنده .
آموزنده - آموزش دهنده . نیک .
آیین جمشیدی - نخستین نوا از آهنگهای باربد .
آبارغ - (مانند روادل) : از خردمندان

درچم : بلندپایه . (ن . او) .
آپرگ - (مانند کمره) : نام خردمندی ساسانی . درچم : بلندپایه ، برتر .
اترو هرمز - (اترو مانند ورشو) : نویسنده و خردمند ساسانی . درچم : دانای آتشین . (ن . س) .
آشتار - (مانند مکن کار) : برادر بزرگ زردشت بینش مند . درچم : دارنده آتش ، آتشدار . (ن . او) .
آتور و خوش - (مانند نبوده ست) : از خردمندان . درچم : نگهبان آتش سر برکشیده و فروزان . (ن . او) .
آختیا - (مانند دل بجا) : خردمندی در دینکرت .
ادب
ادب آذر
ادب بان
ادب بد
ادب بود
ادب پناه
ادب پور
ادب پیرا
ادب تبار
ادب زاده
ادب سرشت
ادب فر
ادب فروز
ادب فروغ

ادب کیش

ادب گوهر

ادب گهر

ادب منش

ادب نژاد

ادب نهاد

ادب نیا

ادب یار

ادبی

ادبیان

ادیب - دانشمند • دانا • با فرهنگ •

ادیب پور

ادیب پیرا

ادیب راد

ادیب رام

ادیب زاده

ادیب فر

ادیب گهر

ادیبمند

ادیبمنش

ادیب نیا

آرتور (مانند کمبود): از داوران و

خردوران دانشمند • درچم: آتش •

آردا - (مانند فردا): از بزرگان با

دانش اردشیر بابکان • درچم: راست

و درست و نیک کردار • (ن • ا) •

ارداویراف - از بزرگان آیین زردشت

درچم: دانای راست کردار (ن • او)

آرز راسپ - (مانند مرزداشت): یکی

از خردمندان • درچم: دارنده اسب

راست رو و ارزشمند • (ن • او) •

آرستا - (مانند سمن سا): نام یکی از

دانشمندان • درچم: بزرگ و والا •

آرشیر - (مانند سرشیر): دانای زمان

کیانیان • درچم: آتش شهریاری •

اسپتمان - (مانند بهترباش): آوازه

و فروزه زردشت بینشمند • درچم:

پاک، اشویی، والا •

آرغنون - گوشه‌ای از دستگاه‌ها و

آهنگهای ایرانی • نام سازی •

آزناک - (مانند سرکار): ازپزشکان

و دانشمندان هخامنشی • (چ • رو)

استاد

استادبخت

استاد پور

استاد راد

استاد زاده

استاد سرشت

استاد فر

استاد فروز

استاد فروغ

استاد گوهر

استاد مند

استاد نژاد

استاد نیا

استاد یار

استادیان

آفرگ - (مانند بهمن): از دانشمند

های بلندآوازه باستانی • درچم: والا

و بلند پایه، پرفروغ برتر (ن • ب)

آفروغ - (مانند سرکوب): دانشمند

اوستا • درچم: روشنایی • (ن • ب) •

افسر بهار - آهنگی دلپذیر و گیرا •

اندیشگر

اندیشمند

اندیشور

اندیشه

اندیشه‌فر

اندیشه فروز

اندیشه گهر

اندیشه نیک

اندیشه یار

اورامن - گونه‌ای گویندگی و خواندن

که سروده آن به پهلوی است • جای

کسی که آنرا ساخت به همین نام

در "جوشغان" میباشد (اورامه و

اورامانات) درچم: دارنده اندیشه

اهورایی •

اورامه - نگ به اورامن •

آوستا - خردمندی • پایه • بنیاد • نام

نسک مردمی و ارزشمند آیین آریایی

ایزد داد - دانشمند زمان اردشیر

بابکان • درچم: خداداد (ن • س) •

ایسد واستر - (مانند بی من کاشته)

بزرگترین پسر خردمند اشوزردشت

بات رن - (مانند کارشد): خردمند

زمان انوشیروان دادگر • (چ • رو) •

باراد - از بزرگان شاپور یکم •

باربد - رامشگر و نوازنده هنرمند

زمان خسرو پرویز که سی آهنگ از

او مانده است •

باخرز - (مانند پادرد): گوشه‌ای از

چهل و هشت گوشه آهنگهای ایرانی

و نام روستای باستانی خراسان •

بافرغ - (مانند بابرگ): از بزرگان

آتشکده آذر گشسب که پیکره او در

روی مهری در نسکخانه بزرگ

پاریس هست • درچم: پر درخشش و

روشنی بخش (شا) •

بافرگ - (مانند با برگ): از بزرگان

روزگار ساسانیان • درچم: روشن، بافر

بامس - دانا • خردمند • پدر بزرگ •

بامشاد - نوازنده نامی و استاد در بار

خسرو پرویز • درچم: درخشنده شاد

باندهک - (مانند پا بسر): خردمند

و از بزرگان زمان شاپور یکم •

با هنر - هنرمند •

بختگان - پدر بزرگمهر وزیر باخرد

انوشیروان دادگر و نام دریاچه‌ای در

فارس •

بخرد - دانا • دانشمند • باخرد •

بخرد آذر
 بخرد پود
 بخرد پناه
 بخرد پور
 بخرد پیرا
 بخرد زاده
 بخرد فر
 بخرد منش
 بخرد تیا
 بخرد یار
 بخردیان
 برانوش - (مانند مراگوش) : نام فارسی پیمایورومی که پل شوستر را در زمان شاپور یکم ساخت .
 درچم : جودانی‌والا (شا) .
 برزو - (مانند پر رو) : رهبرپزشکان شاهی در زمان انوشیروان دادگر .
 درچم : شکوهمند،‌والا، بافر، فرمند .
 برزویه - همان برزو است .
 برزین - (مانند پروین) : پایه‌گذار آتشکده‌ای شکوهمند در پارس . از فرمانداران هاموران ازسوی خسرو انوشیروان دادگر . درچم : آتش‌پاک .
 برزین رام - از بزرگان زمان یزدگرد . درچم : آتش شکوهمند آرام .
 برزین گروس - دانشمندی در زمان اشوزردشت اسپنتمان . (ن او) .
 برمک - (مانند بهمن) : وزیر باخرد

و دانشمند در زمان تازیان عباسی .
 وزیر شیروی ساسانی . درچم : سرور و بزرگ ، والا و فرمند .
 برمن - (مانند بهمن) : از دانشمندان ها و بخردان پیش از تازش تازیان . درچم : بلند اندیشه .
 برمنه - (مانند روشگر) : نام یکی از بزرگان و خردمندان . (ن او) .
 بروسا - (مانند میو یا) : بزرگ و خردمندی در زمان یزدگرد (چ رو) .
 برهمن - (مانند غلمزن) : خردمند و با دانش . بزرگ و نژاده . پیر،‌والا .
 برهمند - نگ به " برهمن " .
 بزرگ امید - دانشمندی که رایزن و استاد خسرو پرویز بود .
 بزرگمهر - وزیر انوشیروان دادگر . درچم : ایزد بزرگ مهر . خورشید نیک‌تاب و درخشنده و بزرگ .
 بزیست - ستاره شناس نامی زمان مامون تازی . درچم : هستی‌دارو پر بهره از زندگی .
 بزژه - (مانند بتکده) : دانشمندی و والا . مهر آیین . خردمند .
 بوخت آفرین - از بزرگان انوشیروان دادگر . درچم : آفریده‌راستی و درستی .
 بوخت ایزد - از بزرگان خردمند زمان ساسانیان . درچم : رستگار ایزدی .
 بوژر - از بزرگان بینشمند . درچم

امید تلایی ، امید زرین .
 بورتورا - (مانند خوب‌کوشا) : با خردی بزرگمنش ساسانی . درچم : دارنده گاوهای نر بور رنگ .
 بهرامشاه - دادگرو زمان ساسانیان .
 بهخرد - دارنده خرد نیک و شایان .
 بهخرد پیرا
 بهخرد پور
 بهخرد زاده
 بهخرد سرشت
 بهخرد فر
 بهخرد منش
 بهخرد نیا
 بهخرد یار
 بهرك - (مانند بهمن) : خردمندی ساسانی . درچم : سودبخش نیک .
 بهزاد - نگارگر نامی زمان تیموری .
 بهك - خردمند زمان شاپور دوم . درچم : نیک و خوب و والا .
 بهگو - اخترشناس زمان ساسانیان . درچم : خوش‌سخن ، نیک‌گفتار .
 بهمنیار - از شاگردان سینا . درچم : پشتیبان اندیشه نیک و منش‌والا .
 بهنام - خردمندی ساسانی .
 بینش - ژرف اندیشی . خردمندی .
 بینش‌یان - نگهبان بینش .
 بینش‌بد - پاسدار بینش .
 بینش‌پات - نگ به بینش‌بد .

بینش‌پاد - نگ به بینش‌بد .
 بینش‌پناه
 بینش‌پیرا
 بینش‌پود - بسیار ژرف‌بین . بینش .
 تبار . بینش‌نیا .
 بینش‌پور
 بینش‌تبار
 بینش‌داد
 بینش‌زاد
 بینش‌زاده
 بینش‌سرشت
 بینش‌فر
 بینش‌فروز
 بینش‌کیش
 بینش‌گهر
 بینش‌مان
 بینش‌مند
 بینش‌منش
 بینش‌نژاد
 بینش‌نیا
 بینش‌یار
 بینش‌یان
 بینش‌ور
 بینش‌وفر - از بزرگان خردمند ساسانی .
 درچم : فرو فروغ ایزدی (شا) .
 پایپك - (مانند باپدر) : دبیر انوشیروان دادگر . درچم : نگهبان

نیکی و خواستار بهی •

پات خسرو - برادر زریر، پسر لهراسب

درچم: نگهبان نیکنامی •

پاتخشروپ - (مانند پابند بود):

از بزرگان و خردمندان در زرتشت

نامک • درچم: دلیرپرتوان (شا) •

پات زند - از بزرگان اشکانی • درچم:

خداوند دانش • نگهبان خرد (ن ۱۰)

پازند - برگردان شده اوستا •

پازند پور

پازند پناه

پازند پیرا

پازند تبار

پازند زاده

پازند فر

پازند فروز

پازند منش

پازند نیا

پازینه - از خردمندان پیش از تازش

تازیان • درچم: نگهبان مهر (شا) •

پاسگرد - خردمند زمان شاپوریکم •

درچم: نگهبان شکوه دین (شا) •

پاهر - (مانند باسر): از خردمندان

زمان اردشیر یکم • درچم: نگهبان

فر اهورایی (شا)، بیاری و استواری •

پدم - (مانند چمن): خردمندی از

پارسیان هند • درچم: والا (شا) •

پرات - (مانند سوار): از نخستین

پیروان اشورزدشت اندیشمند •

درچم: نگهبان راستی و درستی (شا)

پروژیره - (مانند مگو دیره): سرشار

از دانایی و خرد • بینشور •

پرهیخته - با فرهنگ • بادانش •

پژدو - (مانند برگو): چکامه سرای

نامی ایران • (چ • رو) •

پژوها - دانشور • جوینده دانش

پژوهش - جویند دانش •

پژوهش پور

پژوهش تبار

پژوهش فر

پژوهش فروز

پژوهشگر

پژوهش نیا

پژوهنده

پکاوچ - (مانند بیالم): هوشمند •

خردمند • زیرک •

پنام - پزشکی در دستگاه بویه • در

چم: نیکنام (شا) •

پور بامداد - از خردمندان • درچم:

آفریده روشنایی و فروغ •

پور شاهویه - نویسنده زمان ساسانی

درچم: شاهزاده نیک بامهر •

پوسان - نام دانشمندی ساسانی •

درچم: توانا و پیروز •

پوسان فره آزاد - خردمندی است •

درچم: توانای با فر دارنده آزادی •

پوسان فره داد - دانشمندی ساسانی

درچم: توانای باشکوه • داده نیرو •

پهلبد - خنیاگر و آهنگساز نامی

خسرو پرویز • درچم: نگهبان دلیری

پیروز پی - نام هنرمندی است •

تتسر - (مانند بهمن): خردمندی

در زمان اردشیر بابکان • (چ • رو)

تخت اردشیر - از آهنگهای بارید

تخت پاکدیس - از آهنگهای بارید

تربت - (مانند خرید): نخستین

پزشک نامی ایران • پدر گرشاسب •

درچم: ارزشمند و خوب (شا) •

تکاو - (مانند سراب): از آهنگهای

بارید • درچم: زمین آبکنده •

تیف گنج - نام آهنگی • (تیف درچم

خس و خاشاک است • شاید چم تیسف

گنج: گنج ناویژه باشد) •

جانیار - یکی از تاریخ نویسان •

جاویدان - خردمندی پادتازی و از

همکاران روزبه (ابن مقفع) •

جگاره - (مانند زیانه): زای و خرد

وراه و روش •

جمشاسب - (مانند جم راست): از

دانشمندان ساسانی • درچم: دارنده

اسبان نیرومند همزاد • (ن • او) •

جواندیه - از خردمندان بهرام گور

جوانوی - (مانند روا گوی): دبیر

بهرام گور و یزدگرد یکم •

چامه دان - سخندان • سخنسرا •

چامه گر - سخنسرا • سروده ساز •

چرگر - (مانند زرگر): خنیاگر •

هنرمند • استاد کار •

چکامه گر - سراینده • سخنسرا •

چهرک - (مانند دلبر): از خردمند

های همزمان اردشیر بابکان • درچم

باتبار نیک و دوست داشتنی •

چیستی و نیت - (مانند نبستی بند)

نام دانشمندی • درچم: دارنده دانش

و بینش و خرد • (ن • او) •

خدای بد - از دادوران ساسانی • در

چم: خدایار، ایزدپناه •

خردامیرزین - از دانشمندان زمان

خسرو پرویز • درچم: آفریده خورشید

درخشان •

خردیه - با خرد • بخرد • دانا •

خردبپور - زاده خردنیک •

خردشکوه - دانشمندی است • درچم

خردمند بزرگ • شکوه دانایی •

خردمند - از پیروان آذر کیوان که

واژه هایی پارسی از خود ساخته و

پخش کرده است و آنرا به نادرست

"واژه های دستاگیری" خوانند •

خردور - بینشمند • اندیشمند •

خَرَه پود - (مانند شده بود) : دبیر شاپور ساسانی • درچم : روشنایی تبار، خورشید نیا • (ن او) •

خسرویناه - خردمندی ساسانی •

خسروداد - خردمندی ساسانی •

خسروراد - خردمندی ساسانی •

خسروشاد - خردمندی ساسانی •

خسروشاه - خردمندی ساسانی •

خنچه - (مانند غنچه) : نام آهنگی است • درچم : کبک دری •

خُنیاگر - آوازه خوان هنرمند •

خُرزاد - (مانند خرداد) : خردمندی است • درچم : آفریده مهر درخشان خورقیروز - دانشمندی از فارس در روزگار محمود غزنوی • درچم : مهر یا خورشید پیروزمند •

خورگان - (مانند گرگان) : یکی از دانشمندان ساسانی • درچم : جای تابش خورشید، تابشگاه مهر •

دادآفرین - نوا • آواز • نام آهنگی •

دادآیین - از دانشمندان زمان شاپور یکم • درچم : دارنده کیش نیک

دادار داد - از خردمندان • درچم : آفریده پروردگار، ایزداداد •

دادبان - دبیر زمان اشکانیان •

دادبُرز - مانند دادبان • درچم : زاده دادگری، دادگری شایسته • و نیک •

داد بَرزین - (مانند شادرخ بین) : نگه به " دادبُرز " •

دادبُنّداد - (مانند شادرخداد) : درچم : دادگر با تبار • دبیر اشکانیان •

دادبویه - نام " ابن مقفع " که به گفته ای دیگر " روزبه " بوده است و نام " هوش آیین " دانشمند هرمز چهارم • درچم : بهره ور از دادگری •

داد به - نگه به " دادبویه " •

دادبیهی - دانشمندی نامی در زمان داریوش بزرگ • درچم : دادگری نیک

دادبین - از خردمندان •

دادبویه - از خردمندان •

دادپی - نام دانشمندی

دادپیرای - نام دانشمندی •

دادفرخ - از داوران ساسانی •

دادگشسب - (مانند شادگذشت) : از دانشمندان اوستا در روزگار ساسانیان • نام پدر روزبه " ابن مقفع " • درچم : دادگر دارنده اسبان نر نیرومند •

دادوی - (مانند بانوی) : پدر روزبه و یکی از یاران داریوش بزرگ •

دادهرمز - دانشمندی در زمان غباد یکم ساسانی • درچم : داده سرور دانا و آفریده اهورایی •

دارویی - آوازه سراینده ای است •

دازگراسپ - (مانند کار براست) :

نام خردمندی • درچم : دارنده اسب سیاه رنگ • (ن او) •

دامی - آوازه سراینده ای • درچم : یار و پشتیبان دام، شکار یار •

دانا - آوازه سراینده ای •

دانا آذر

دانا آیین

دانا بخت

دانا پود

دانا پور

دانا پناه

دانا پیرا

دانا زاده

دانا فر

دانا فروز

دانا کیش

دانا گهر

دانا مند

دانا منش

دانا نهاد

دانا نیا

دانا یی

دانایان

دانایی فر

دانایی فروز

دانایی فروغ

دانش

دانش آیین

دانش افروز

دانش پَرّوه

دانش بخت

دانش بُد - نگهبان دانش • دارای دانش

دانش پاد - نگه به " دانشبُد " •

دانش پود - دانش نژاد • بادانش •

دانشپور

دانش پناه

دانش پیرا

دانش تبار

دانش داد

دانش راد

دانش زاد

دانش سرشت

دانش فر

دانش فروز

دانش فروغ

دانش کیش

دانش گهر

دانشگر

دانشمند

دانش نژاد

دانش نیا

دانشور

دانشوری

دانشیار

دانشی

دانشین

داتون - از خردمندان ارمنی ایران باستان • دانشمند (شا) •
داو تبیش - (مانند نازترین) : نام اندیشمندی • درچم : دشمن دیوها •
دبیر - آموزنده • آموزشیار • نویسنده
دبیرپور
دبیر زاده
دبیر فر
دبیر منش
دبیر نیا
دبیریار
دبیری
دبیری پور
دبیری منش
دبیری نیا
دَرَات - (مانند روان) : دانشمندی در زمان اسفندیار • (چ • رو) •
درای - آهنگ زنگ •
دردشتی - نام آهنگی •
درنگ - سدای زنگ و تار •
دلیر - آوازه سراینده‌ای •
دویان - نام پژوهشگری •
دهخدا - دانشمند بزرگ ایران • در چم : خداوند سرزمین •
دِهَشْتَك - (مانند بهشتك) : پزشکی بزرگ و نامدار • فرنشین بیمارستان جندی شاپور • درچم : بخشنده یکتا •
دِهَشیار - خردمندی است • درچم :

بخشنده و بزرگوار •
دیپی باره - دبیر • دانشمند • بسا خرد • (ن • او) •
رادویه - دانشمند زمان یزدگرد سوم درچم : بخشنده، باگذشت، بزرگوار
رادهرمز - دادوری ساسانی • درچم : دارنده مهر و گذشت اهورایی •
رازی - کیمیاگر و دانشمند بزرگ •
رایزن - هم اندیشی •
راست روشن - وزیر بهرام گور •
راك - آوازی ایرانی از بخش ماهور
رام - سازنده چنگ •
رامتین - آفریننده چنگ و نوازنده بلندآوازه خسرو پرویز • درچم : آسایش بخش، آرامش دهنده •
رامش جان - از آهنگهای باربد •
رامش آرام - نام دانشمندی •
رامیار - دانشمند پارسی • درچم : آرام، دوست ایزد رام •
رَتو - (مانند پتو) : دانا • خردمند و بینشور • داور •
رزم سپید - از دانشمندان خسرو انوشیروان دادگر •
رزمی - آوازه سراینده‌ای •
رسام - (مانند زمان) : پیکرنگار و هنرمند بهرام گور •
رستین - (مانند برجین) : خردمند

و بینشوری بزرگ • • درچم : رستگار
روایی - آواز سراینده‌ای •
روز به - پزشک خردمندنوشیروان دادگرو وزیر بهرام گور •
روزیهان - بینشمندی بزرگ •
روشن رای - وزیر دارا • درچم : نیک اندیش، آگاه، باخرد، نیک بین •
ریتك - رامشگر نامی خسرو پرویز • درچم : پسر جوان و زیبا •
ریدك - نگه به " ریتك " •
زادان - از دانشمندان • درچم : آزاده
زادفرخ - رهنما و رایزن هرمزچهارم درچم : آفریده خجستگی، همایون •
زادویه - دانشمندی پهلوی شناس •
زاغی - نوازنده‌ای نامی در زمان دودمان مغولی قاجاریه •
زاماسب - (مانند باماست) : دادور نامی ساسانی • درچم : ایزد زمین دارنده اسبان نیک •
زردشت - اندیشمند بزرگ ایران • درچم : دارنده روشنایی و فره شکوهمند ایزدی (گروهی گویند که دارنده شتران زرین یا زرد) •
زرتشت بهرام - نویسنده زردشت نامه •
زردان - (مانند مردان) : خردمندی است • درچم : دارنده زر •

زَرَوَنداد - دانشمند زمان یزدگرد دوم درچم : آفریده خدای زمان •
زَرهون - (مانند زرگون) : آوازه اشو زردشت اسپنتمان •
زندبُد - نگهبان زند •
زندیک - دانشمند و پیرو دستورها و روشهای مردمی • خردمند • دانا •
زوران - پسر خردمند انوشیروان • گروهی آنرا وزیر نوشیروان دانند
زَوَاغَار - (مانند هوادار) : خردمندی از ارجگزاران آتش • درچم : یار آتش
سینتمان - (مانند بگشت باز) : نام خانوادگی اشو زردشت اسپنتمان •
درچم : پاك، اشویی، والا، برجسته •
سینتو خرد - نام خردمندی • درچم دارنده خرد پاك و والا •
سپیتاما - نام خانوادگی اشو زردشت اندیشمند • درچم : پاکترین •
سپیته - (مانند سپیده) : نام یکی از دانشمندان • درچم : درخشان، سپید
سختدان
سختسرا
سختن سنج
سختور
سختنیار
سرشار - دانشمندی است • درچم : پر، لبالب، نیک •

سَرگَب - (مانند هر شب) : هنرمند
 نوازنده خسروپرویز • درچم : آوای هر
 شب •
 سَرگِش - نوازنده ویژه خسروپرویز
 سَلْمَك - (مانند نرمك) : سازی است
 سمند آواز - سراینده‌ای است • درچم
 آوای اسب زرین •
 سِنِمَار - (مانند بسپار) : نام رازگر
 (ساختمان ساز) نامی زمان شاپور •
 سُهْروردی - بینشمند بزرگ ایران •
 درچم : دارنده گل سرخ یا گل سرخی
 سیبویه - (مانند بی رویه) : دانشمند
 بزرگ ایران • درچم : دارنده بوی سیب
 سیما بُرُزین - از بزرگان و بخردان
 زمان انوشیروان دادگر • درچم :
 دارنده چهره زیبا •
 سیمویه - اخترشناس بزرگ • درچم :
 سیمین ، بارزش •
 سینا - خردمند و دانای بزرگ پیرو
 زردشت اندیشمند • درچم : سیمرغ
 سینه - (مانند کمره) : دانشمند
 بزرگ سده پس از زردشت • درچم :
 سیمرغ •
 سیوارتیر - (مانند دیوارگیر) :
 نام آهنگی است •
 شادان بُرُزین - دانشمندی از توس
 که بازگوکننده داستان برزویه و

و آورنده کلیله و دمنه از هند • در
 چم : شادمان بالنده • سربلندشاد
 شاه بُرُزین - پدر روزبه • درچم :
 بالنده بزرگ •
 شوریده - سخنسرای بزرگ ایران •
 درچم : پریشان ، پرتکاپو ، پرشور •
 شوْكَ - گوشه‌ای از دستگاه‌ها و
 آهنگهای ایرانی •
 شهری - خردمند زمان شاپور • در
 چم : دارنده فروزه شهریاری •
 شهباز - از دانشمندان • درچم : شاه
 پناه ، همدم بزرگی ، والا و فرمند •
 شیدا - از نوازندگان بزرگ ایران •
 درچم : شیفته ، دلباخته •
 شیداب - از دانشمندان و نام‌پزشک
 بزرگی در زمان مادها • درچم : پسر
 فروغ و درخشان •
 شیراك - کنده‌گر سنگ نپشته بزرگ
 نیایشگاه زردشت • درچم : شیرمان
 و همانند شیر ، زورمند ، شکوهمند
 فارابی - خردمند بزرگ پادتازی از
 شهر " فاراب " • درچم : زمین‌سیر
 از آب کاریز یا رودخانه •
 فراچهر - نام دانشمندی • درچم :
 نیک‌نژاد ، والاتباز ، پاک‌نیا ، بزرگ
 قراتور - (مانند کج‌بود) : خردمند
 و دانای بزرگی • درچم : دارنده‌گاو

پیش‌آهنگ یا آتش بزرگ •
 فرایوز - (مانند مرابوس) : نام‌یکی
 از دانشمندان • درچم : پیش‌رو جنگ •
 فرجاد - دانشمند • دانا • خردمند •
 فرجاد آذر
 فرجاد آیین
 فرجاد افروز
 فرجاد بان
 فرجادبخت
 فرجاد بُد - نگهبان دانایی و بینش
 فرجاد پات - نگ به " فرجاد بُد "
 فرجاد پاد - نگ به " فرجاد بُد " •
 فرجاد پناه
 فرجاد پود
 فرجاد پور
 فرجاد پیرا
 فرجاد تبار
 فرجاد زاده
 فرجاد فر
 فرجاد مند
 فرجاد منش
 فرجاد نژاد
 فرجاد نهاد
 فرجاد نیا
 فرجاد یار
 فرجادی
 فرجادیان
 فرجادیانی

فرخ رای - دانا • نیک رای • بخرد •
 فرخ زروان - از بزرگان خردمندان
 ساسانی • درچم : خجسته ، دارنده
 خداوند زمان •
 فرخ‌شاه - ستاره شناس بزرگ •
 قَرْدان - بسیار دان • دانا • بخرد •
 فردانپور
 فردان‌منش
 فردان نیا
 فردانپار
 فردانی
 فردانیان
 فردوسی - خردمند بی‌همتا و سنخور
 بزرگ پادتازی از گروه " هزارفرزانه "
 و " آزادگان " که در پنهان باتازی
 و تازی پرست نبرد میکردند • درچم
 بهشتین ، پردیسی ، مینوی •
 قَرَزَد - (مانند بهمن) : درچم :
 دانش بیشتر ، خرد بیشتر ، دانایی
 فرساد - دانشمند • بینشمند • بخرد
 فرشاد - نگ به فرساد •
 فرشوشتر - برادر جاماسب و وزیر
 گشتاسب • درچم : دارنده شتر نیک
 رهوار و تندرو •
 قَرغان - (مانند مرجان) : ساختمان
 گر هنرمند زمان خسروپرویز •
 قَرَنبَغ - (مانند پرندك) : از خردمند
 ها و دانشمندان نامی • درچم : دارای

فره ایزدی •
فرهنگ - دانش • بینش • خرد •
فرهنگ آذر
فرهنگ آیین
فرهنگ افروز
فرهنگ پود - فرهنگ تبار، فرهنگ نیا
فرهنگ پاد - پاسدار فرهنگ •
فرهنگ پناه
فرهنگ پور
فرهنگ پیرا
فرهنگ تبار
فرهنگ داد
فرهنگ زاد
فرهنگ سرشت
فرهنگ فر
فرهنگ فروز
فرهنگ فروغ
فرهنگ کیش
فرهنگ گوهر
فرهنگ گهر
فرهنگ جو
فرهنگ دوست
فرهنگ نیا
فرهنگی
فرهنگیار
فرهنگیان
فرهنگی پور
فرهنگی نیا

فرهمنند - خردمند • فرزانه • فرهنگی
فروهیده - دانا • خردمند • باشکوه •
پسندیده • خوب • نیک • وال •
فرهیخته - پرورش یافته • باادب •
دانشمند • دانا • فرزانه • فرهنگی •
قَرویک - (مانند پروین) : خردمند
و فرنشین زمان ساسانیان (ن او)
قَزیغون - (مانند فریدون) : از با
خردان و دانشمندان • (ن • رو) •
فیروزان - خردمندی از مردم آمل •
درچم : پیروزمند و چیره •
کاتوز - پژو هشر آیین زردشت •
کاتوزیان - نگ به " کاتوز " •
کاردیر - از بزرگان خردمند ساسانی
کاور - (مانند باور) : از نویسندگان
سنگ نیشته پهلوی در تخت جمشید
در زمان شاپور دوم • درچم : دارنده
نژاد والا و کی (شا) •
کرپون - (مانند سردوش) : گروهی
از دانشمندان • (چ • رو) •
گرپه - نگ به " کرپون " •
گرتوما - (مانند در پوشا) : درچم :
خردمندترین، داناترین •
کسروی - از بزرگترین دانشمندان
پادتازی •
کوراب - از خرد مندان یزدگرد • در
چم : دارنده شکوه اهورایی ایزدآب

کوسان - نام هنرمند رامشگری است •
کوسیار - از بزرگان فرزانه •
کوشیار - استاد سینا •
کوسان - نوازنده ای در ویس و رامین •
کپتر آذر - از فرزندانگان •
کی آذر - خردمند زمان ساسانیان •
کی آذربُد - خردمندی ساسانی •
کیخسروی - نام آهنگی •
کیشمند - از فرزندانگان •
گرایلی - بخشی دنیکی در دستگاه
شور که در پرده شهناز است •
گریلی - نگ به " گرایلی " •
گردان - نام دانشمندی است •
گزیدار - بخرد • دانا • اندیشمند •
گنج کاوس - نام آهنگی •
گوشیار - دانشمندی گیلانی • درچم
نگهبان چهارپایان •
گوک - خردمندی ساسانی (چ • رو)
گیل من - خردمندی در زمان اردشیر
ساسانی • درچم : اندیشه ور پرتوان •
ماخ - دانشمندی خراسانی همزمان
انوشیروان دادگر • درچم : فروتن •
ماسویه - داروساز بیمارستان جندی
شاپورپس از تازش تازیان •
مانزیک - خردمندی در زمان شاپور یکم
مانی - نگارگر و اندیشمند • درچم

هستی، جاویدانی •
ماونداد - خردمندی ساسانی • درچم
آفریده ایزد ماه •
ماه آذر - خردمند در بار انوشیروان
ماهان داد - دادور بزرگ ساسانی •
درچم : آفریده ایزد ماه •
ماه اورمزد - نام دانشمندی •
ماه بازای - نام دانشمندی • درچم
شاهین ایزد ماه، شاهین درخشان •
ماه بخت - از خردمندان و بزرگان زمان
ساسانیان • درچم : رستگار ایزد ماه •
ماه قرتیغ - خردمندی ساسانی • در
چم : فره ایزدی فرشته ماه •
ماه ونداد - نگ به " ماونداد " •
ماه هرمز - ماه اورمزد •
ماهور - از دستگاه های ساز و نوا •
ماهوی خورشید - خردمند نیشابوری
مَتراواک - نام خردمندی • درچم :
سخن پاک، سراینده •
مدیوما - مرد خردمند و دانا •
مردان فرخ - نویسنده پهلوی •
نردوخ - دانشمند نامی کرد •
مردوک - مردوخ •
مزدک - پسر بامداد، بینش مند ساسانی
درچم : دانا، بخرد، دانشمند وال •
مسته مرد - (مانند دسته کرد) :
سخنسرای نامی پهلوی گو •
مَنَدک - پژو هشر آیین زردشت •

وارداپت - خردمند زمان شاپور یکم •
 درچم: دارنده راستی و درستی (شا)
 واردان - دادور زمان اردشیر بابکان
 درچم: راست و درست (شا) (ن ۱۰)
 واسپور - دانشمند زمان انوشیروان •
 درچم: شاهزاده •
 وایه یوار - دادوری ساسانی • (چ • رو)
 وخن - نام خردمندی • درچم: روشن •
 وخور - (مانند سرپوش) : فروزه
 زردشت • درچم: دانشمند فروزان •
 وهیرز - (مانند دربرد) : دادوری در
 زمان ساسانیان • درچم: بالنده نیک
 وهشتک - پزشکی نامی بیمارستان
 جندی شاپور • درچم: دهشگرو با مهر
 وهگوی - دانشمند خراسانی • نیکگو
 وویژرشتی - (مانند بینی دشتی) :
 نام خردمندی • درچم: دارنده نیزه تیز
 ویکاک - نام خردمندی • (چ • رو) •
 ویارش - نام خردمندی • درچم: باهوش
 هُمید - نام خردمندی • درچم: امید نیک
 و آرزوی خوب (شا) •
 هنر
 هنریخش
 هنرپرور
 هنرمند
 هنرور
 یزدان آفرید - آهنگی از باربد
 یزدیار - دانشمندی است •

درچم: آفریده خوب ایزد ماه •
 مهاباد - نام خردمندی است •
 مهابود - دبیر انوشیروان • درچم: بزرگ
 مهبان - خردمندی است • درچم: بزرگ
 مهبود - خردمندی ساسانی • وزیر
 انوشیروان • درچم: بزرگ، والا، باارج
 مهرآذر - از خردمندان بینمندان •
 مهر ایزد - از دانشمندان •
 مهر یزد - دانشمندی بزرگ • درچم:
 خورشید یزدانی، مهرستودنی •
 مهبیار - گوینده ای پادتازی •
 میتر ونداد - (مانند بیست درکار)
 از خردمندان • درچم: زاده ماه و مهر
 نپور - (مانند نبود) : گونه ای ساز •
 نخجیرگانی - نام آهنگی •
 نرماهان - نام خردمندی • درچم:
 ایزد ماه دلاور، دلاور ایزد ماه •
 نستوه - خردمند دربار انوشیروان •
 درچم: خستگی ناپذیر، پرتکاپو •
 نَسک - (مانند نرم) : نام خردمندی
 درچم: نوشتار، دفتر و نامه •
 نکیسا - هنرمند دربار خسرو پرویز
 نویخت - ستاره شناس نامی (ن • س)
 نوروز بزرگ - نام نغمه و آهنگی •
 نیمروز - نام آهنگی •
 واتگر - سخنور • سخندان • سراینده